

معمای پیشرفت و ترقی

« زمانی بود که ما شیفته و فریفته پیشرفت اروپائیان شده بودیم . اروپا در ما امید جدیدی بوجود آورده بود زمانی بود که ما عقیده داشتیم انسانها بملت وجود سدها و موانع مصنوعی بین خود ازهم جدا هستند ولی اکنون دیگر بنظر نمیرسد که دفع این موانع نیز تفاوتی موجود بین بخشهای مختلف بشریت را از بین ببرد . »
« فردیت گرانیها است زیرا تنها توسط آن میتوان عالم را شناخت . »
رابیندرانات تاگور - بنگال - ۱۶ سپتامبر ۱۹۳۴

پیروزی جمهوریخواهان در انتخابات اخیر امریکا علل گوناگون و نتایج مهمی داشت که هم از نقطه نظر سیاسی و هم از جهات اجتماعی بسیار جالب و آموزنده اند . غرض از تحریر این مقاله تفسیری در باره انتخابات امریکا نیست . بلکه تنها منظور از ذکر انتخابات امریکا در مقدمه این مقاله اشاره بیکى از تحولات عمیقی است که در جهان کنونی در حال پیدایش و تکوین است : **سوء ظن در باره سرانجام پیشرفت مادی و علاقه مجدد بنفوائد زندگی روستائی .**

حربه مهمی که جمهوریخواهان در انتخابات اخیر امریکا بکار بردند و مسلماً تأثیر روانی آن در پیروزی آنان بسیار موثر بود اینست که آنها بیاد مردم آمریکا آوردند که علی رغم پیشرفتهای سریعی که ملت امریکا در قرن اخیر بآن نائل آمده است برخی از سنن ذقیمت آن تمدن از جمله آزادیها و استقلال فردی در حال از بین رفتن هستند . آنها بملت امریکا خاطر نشان ساختند که ارزشهای معنوی که ملت امریکا زمانی بآن می بالید اکنون دستخوش تغییراتی شده اند و این « حرکت مداوم بسوی جلو » مسائل گوناگون و ظاهراً لاینحلی برای مردم ایجاد کرده که محتملاً عواقب ناگواری در زمینه سقوط معنوی و اخلاقی مردم خواهد داشت .

در این مقاله منظور آن نیست که صحت یا سقم کلیه اظهارات و یا حسن و سوء نیت سناتورها و فرمانداران جمهوریخواه ایالات متحده امریکا مورد تفسیر قرار گیرد بلکه منظور آنستکه نشان داده شود که مردم امریکا بکسانی

رای دادند که با پیشرفت بیشتر تکنولوژی و بوروکراسی (بطور نسبی و در مقام مقایسه با دموکراتهای لیبرال) مخالفت میکردند و میخواستند حداقل قدری جلوی این سرعت جنون آمیز پیشرفت را بگیرند و حتی در صورت امکان بعضی از مزایای ازدست رفته زندگی غیر صنعتی و روستائی را مجدداً احیا کنند .

چون ذکر این مطلب ممکن است موجب تفاسیر گوناگون گردد بهتر است قدری توضیح در باره آن داده شود .

نکته حساسی که مردم آمریکا امروز بدان کم و بیش پی برده اند اینستکه پیشرفت صنعتی و علمی الزاماً خوشبختی نمیآورد . آنها اکنون متوجه شده اند که بدون از دست دادن چیزی نمیتوان کماکان پیشرفت کرد . با اینکه مفهوم « ترقی و پیشرفت » جزء لاینجزای تمدن آمریکا است پس از سالها ترقی و پیشرفت مردم متوجه شده اند که برای داشتن مال و مکنت بیشتر باید غرامتی بپردازند . بهای این پیشرفت مادی ممکن است سقوط اخلاقی و معنوی آنها باشد . عبارت دیگر ثروت بیشتر و تصاحب اشیاء و ابزار رفاه بیشتر ممکن است حتی شیرازه زندگی و تمدنشان را متزلزل سازد . یکی از حربه های مؤثر جمهوریخواهان در این انتخابات اخیر این بود که تمرکز قدرت در حکومت فدرال آمریکا موجب گردیده که حکومت های محلی و صاحبان سرمایه های کوچک ضعیف گردند و بتدریج مردم مناطق روستائی آزادی فردی و استقلال خود را از دست بدهند ، گله مردم در اینجا در این است که پیشرفت و توسعه صنعت و تکنولوژی موجب شده که دولت فدرال و سرمایه های کلان حاکم بر جان و مال مردم گردند و در نتیجه افراد اختیار زندگی خصوصی خود را از دست بدهند . شکوه مردم از اینستکه بوروکراسی (چه بصورت ملی و چه دولتی) طوری در حال توسعه است که ابتکار عمل و کوشش و پشتکار فردی از آن صدمه می بیند .

بطور کلی مردم آمریکا بار دیگر نشان دادند که برخی از ارزشهای معنوی از قبیل اهمیت آزادی فردی ، پشتکار و جدیت فرد برای تکامل خود و استقلال و اتکاء بنفس برای ایشان بسیار مهمتر از ثبات و رفاه موعود در قالب سازمانهای عظیم صنعتی میباشند . جمهوریخواهان از این روحیه و طرز فکر مردم استفاده کردند و بحق یا ناحق تعداد قابل توجهی از کرسیهای سناتور و فرمانداری را از دموکراتها ربودند .

یکی از آثار جالب سوء ظن و احتیاط مردم آمریکا در مقابل توسعه روزافزون تکنولوژی و بوروکراسی از اینجاست که هر چند که امروزه عده کثیری از امریکائیان کشور خود را ترک میکنند و در مناطق دیگر جهان که زیاد پیشرفت نکرده اند سکونت میکنند و یا حتی ترک تابعیت دولت امریکا را مینمایند. در حقیقت امریکای امروز یک درب ورودی و یک درب خروجی دارد. امریکاهم آدم وارد میکند وهم اتباع خود را صادر میکند. از طرفی قانون مهاجرت امریکا افراد زبده ملل دیگر را گلچین میکند و برایشان چراع سبز روشن مینماید؛ از طرف دیگر تسهیلات و فرصتهائی برای آنده از مردم امریکا که یا مایل نیستند در امریکا زندگی کنند و یا حتی میخواهند ترک تابعیت آن کشور را بنمایند فراهم میآورد. باین ترتیب یکنوع «تصفیه» دائماً در زندگی مردم این مملکت صورت میگیرد، از سوئی ناراضیان جلای وطن میکنند و احتمال طغیان و عصیان بر علیه حکومت را تقلیل میدهند و از طرفی تازه نفسان ممالک دیگر بقوای مجهر انسانی این کشور می پیوندند شاید ذکر این نکته بعنوان حاشیه در اینجا بيمورد نباشد که ظاهراً کشورهائی چون ایران نیز ممکن است از این طریق تبعیت کنند باین نحو که از طرفی راه را برای ورود خارجیان و سکونتشان در ایران باز گذارند و از طرف دیگر راه خروج را برای آنده از ایرانیانی که نمیخواهند دیگر در ایران زندگی کنند هموار سازند. و اما دو نکته مهم و حساس در این «تقلید» بایستی رعایت گردد.

اولاً - محتملاً آنده از ایرانیان ایران را ترک خواهند کرد که دارای سلاح علمی و یا فنی هستند. واضح است که مملکت در این صورت نیروی فعال و مؤثر خود را از دست خواهد داد.

ثانیاً - سکونت تعداد کثیری از اروپائیان و امریکائیان در ایران محتملاً موجب تسلط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این افراد در سالیان آینده خواهد گردید و بعید نیست که ایران نیز با مسائلی «نژادی» از قبیل اختلافات اروپائیان و بومیان در کشورهای رودزیا و افریقای جنوبی مواجه گردد.

پس بهتر است که زعمای قوم در استفاده از این تکنیک «تصفیه» زیاده روی نکنند چون ممکن است خود در آینده بازنده محسوب گردند.

قدری از اصل مطلب دور شدیم. نکته اصلی که بدان اشاره گردید اینست که امروزه تعداد زیادی از مردم اروپا و امریکا که از زندگی ماشینی عصر حاضر بستوه آمده اند در حال ترک کشورهای خود هستند. نظیر این افراد را ما در ایران نیز میتوانیم بیابیم.

معنای این پدیده چیست ؟

اصل این مطلب بطور اختصار اینست که پس از سالها تجربه و آزمایش با پیشرفت علم و صنعت و تکنولوژی بشر قدری در پذیرش «پیشرفت» محتاط تر شده است . پیشرفت علمی و صنعتی و مادی اگر چه بظاهر ممکن است خوب و بسیار مفید و معقول بنظر آید ولی بعید نیست که اثرات آن منهدم کننده و مخرب نیز باشد . عبارت دیگر برخلاف نظریه دانشمندان قرون هجدهم و نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم که «پیشرفت» فی نفسه خوب و مفید تشخیص داده شده بود امروزه علمای اجتماعی قدری در این باره پخته تر و محتاط تر شده اند و دیگر پدیده پیشرفت را همانند پدیده های دیگر دارای ارزش مطلق نمیدانند . پیشرفت ممکن است هم نتایج مفید و هم نتایج مضر داشته باشد .

مثلا قدرت تخریبی بشر امروزی هرگز در تاریخ گذشته سابقه نداشته است . تحقیقات گرانها و طاقت فرسا برای پیشرفتهای علمی موجب شده که بشر بتواند در ظرف چندساعت تمام موجودات روی زمین و تمدنی را که محصول قرون متمادی زندگی بشر روی این کره خاکی است از بین ببرد . مسلماً هیچ عقل سلیمی نمیتواند حکم کند که این پیشرفت برای بشر مفید است .

یکی از درسهای عبرتی که بشر در راه «ارگانیزه کردن» اجتماع برمیآورد عقلی و اصول علمی فرا گرفته اینست که نظم و ترتیب نیز اگر از حدود تعادل خود خارج شود مشکلاتی از قبیل احساس ضعف فرد در مقابل مؤسسات عظیم اجتماعی و عدم آزادی و اختیار فردی تولید میکند . متأسفانه ما در ایران طوری در جهت عکس قضیه یعنی در بی نظمی و هرج و مرج غوطه ور هستیم که میخواهیم و لازم است بوضع اداری و اجتماعی خود سروسامانی بدهیم. در آمریکا بعضی از مردم از این گله دارند که دستگاهها طوری مرتب و ماشین وار است که فرد در داخل این سازمانها احساس خفگی و بسا ناچیزی میکند . منظور از احساس «ناچیزی» اینست که فرد در خود قدرتی احساس نمیکند و خود را تنها بصورت مهره ماشینی عظیم و مسلط بر خود می پندارد . شاید حد تعادلی در این مورد روش معقول باشد ولی اشکال کار در اینست که عملاً نمیتوان خط واسطی بین این دو پدیده متضاد یعنی بی نظمی و نظام ماشینی کشید تا هم فرد احساس آزادی و آزادگی کند و هم چرخهای اجتماع منظمأ بگردد .

از مطالب فوق ممکن است اینگونه مستفاد گردد که نگارنده با پیشرفت

و ترقی مخالف است. بالعکس باید تأکید شود که ما برای بقاء خود و بخاطر ادامه حیات ملی خود نیز که شده بایستی پیشرفت کنیم. هر لحظه که ما در جای خود بایستیم و حرکت نکنیم مسلماً دیگران بر ما بیشتر مسلط خواهند شد و در نتیجه ما ضعیف تر خواهیم گردید. مسائل ایران از برخی جهات شباهت با مسائل ممالک دیگر دارند و از پاره ای جهات حالت خاص خود را دارند. ما هم جزئی از سیر تکاملی بشر بشمار میرویم و هم حالت تکاملی خاص خود را طی میکنیم. از این جهت لازم است که در این حرکت بجلو که برای ما امری اجتناب ناپذیر و صددرصد حیاتی است شرکت کرده و از تجارب ملل دیگر نیز استفاده نمائیم تا شاید فاصله بین ما و آنها قدری کاسته تر گردد.

یکی از تجربیات مفید اینستکه در عین حال که میکوشیم ترقی کنیم از این نکته غافل نمائیم که کولتور (تمدن) ما که محصول زندگی ما در قرون متمادی است هسته وجودی ما را تشکیل میدهد و نباید بعشق « پیشرفت » بر خرمن هستی خود آتش بزنیم. بخاطر از بین بردن مفاسد و معایب زندگی قدیمی نیاکان خود نبایستی سرشت و کردار و خصوصیات نیک آنانرا نیز از دست بدهیم.

اجتماع کنونی ما مسلماً در حال تغییر و تحول است. پرواضح است که لازمه ترقی و پیشرفت حرکت است. این عامل « حرکت » در اجتماع امروزی ایران ظاهر گردیده و هیچ قدرتی نمیتواند آنرا متوقف سازد. بیابارت بسیار ساده امروز مردم ایران میخواهند زندگی مادی بهتری داشته باشند و چون این « خواست » پدیدار گردیده مسلماً هر روز بر شدت و قدرت آن افزوده خواهد گشت. پس در اصل موضوع که حرکت بسوی جلو است نه شکی است و نه الزامی برای توقف آن. بلکه نکته حساس در این است که ما باید غرور ملی و مردم خود بیدار کنیم و از این غرور برای بشمر رساندن آمال آنان استفاده کنیم. منتهی این غرور نباید چشمان ما را از دیدن این حقیقت بازدارد که سرانجام خوشبختی مردم بیشتر در آسایش فکری و معنوی آنان است تا در پیشرفت مادی آنان اگر چه که این دو خود وجوه مشترکی دارند.

نکته دیگری که در مورد پیشرفت مادی مردم ایران باید در نظر گرفته شود اینست که حرکتی که هم اکنون در داخل اجتماع ما بوجود آمده مسلماً موجب بهم خوردن روابط طبقات مختلف اجتماعی ایران خواهد گشت در گذشته طبقه حاکمه یا با توده مردم کاری نداشت و یا اگر کاری میداشت روابط آنها بصورت رابطه مستقیم بین حاکم و محکوم میبود. امروزه اولاً طبقه حاکمه نمیتواند توده مردم را بحساب نیاورد و دیگر آنکه با توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور طبقه متوسط که حکم واسط بین دو طبقه حاکم و توده را دارد و نقش ابزاری (Instrumental) بین این دو طبقه را بازی میکند بوجود آمده است و دائماً در حال توسعه و گسترش است.

برای استقرار نظم و آرامش در اجتماع کنونی و در آینده نزدیک لازم است که طبقه متوسط توسعه و گسترش بیشتری بیابد و نیز درسراسر کشور پراکنده گردد. توسعه و پراکندگی تعداد کثیری افراد تحصیلکرده که قشر اصلی طبقه متوسط را تشکیل میدهند برای استقرار رژیم نو در ایران کاملاً لازم است. این افراد طبقه متوسط که درسراسر کشور متفرق و پراکنده میگردند بایستی آزادی و اختیاراتی داشته باشند تا برای ارضاء احتیاجات خودشان هم گه شده بتوسعه بخشها و استانهای کشور همت بگذارند.

امروزه تعداد کثیری از ایرانیان در حال مهاجرت از کشور خود هستند میتوان با دادن اختیارات باین افراد و فراهم آوردن حداقل وسایل زندگی نو (بحد معقول در ایران) موجبات سکونت این افراد را در مراکز مختلف ایران میسر ساخت. مسلماً این اقدام ببنهایی تمام ایرانیانی را که مقیم خارجه هستند و یا در حال ترك تابعیت و مهاجرت میباشند بایران بر نخواهد گرداند و یا از مهاجرت منصرفشان نخواهد کرد ولی ممکن است با دادن آزادی و اختیارات بحکومت های محلی و تشویق مهاجرت داخلی روشنفکران باین مناطق کشور برای اداره این نقاط از صدور ایرانیان زبده بخارج تا حدودی جلوگیری کرد.

ملت امریکا پس از سالیان دراز تجربه با مسئله پیشرفت مادی و اهمیت آزادی فردی نشان داد که آزادی فردی و حکومت محلی را بر پیشرفت لاینهای مادی مقدم میشمارد و بعبارت دیگر آزادی فردی و استقلال و اختیار واحدهای

کوچک را بر تسلط واحدهای عظیم سرمایه‌های خصوصی و دولتی و حکومت فدراتان ترجیح می‌دهد. این نحوه قضاوت می‌تواند درس عبرت مهمی برای ما ایرانیان باشد.

بسیاری از مسائل کنونی ایران از جمله مسئله خروج ایرانیان متخصص و دانشمندان را میتوان با اعطاء آزادی و اختیارات بیشتر بحکومت‌های محلی و افراد حل کرد، حتی میتوان پیشرفت مادی را با سلاح برنده آزادی فردی و محلی بنحومعقولی تسریع کرد. افکار تاگور در سی و سه سال پیش امروزه در نحوه فکر بسیاری از غربیان رسوخ کرده است. مقام و اهمیت فردیت بیش از پیش مشخص میشود و در اینجا است که روزه امید دیگری در شرق هویدا میگردد. شاید بازهم زمان لازم باشد تا افکار تاگور بهتر مفهوم گردد.

دکتر احمد فناحی پور - امریکا - اول ژانویه ۱۹۶۲



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی